

نیاز *bedürfnisse*

نیازهای انسانی فراتر از نیازهای طبیعی او برای زیستن و ماندن میروند. انبوهی نیازهای انسانی به شکل تاریخی ساخته میشوند. نیازهای جدید که بر پایه رفع نیازهای قدیمی شکل میگیرند، در هر دوره تاریخی تولید شکلی تازه مییابند. نیازها میان سوئے جمعی زنده گی انسان و منش سوپژکتیف، فردی و ذهنی زنده گی هر فرد ارتباط میسازند. نیازها رشد امکانها و تواناییهای انسان را میسازند و امکان طرح مسأله فرجام و نهایت ویژه هر سازماندهی بخردانه تولید را پیش میکشند. نیازها هر بار در هر دوره تاریخی تولید، ماهیت کار را در دل وجه تولید تعیین میکنند.

در **دست نوشتههای ۱۸۴۴** فصلی مهم به مبحث نیازهای انسانی اختصاص یافت. درونمایه نیاز مرتبط است به درونمایه کمیابی. بنا به تعریف **هگلی** از طبیعت هم چون ایده در شکل دیگری، **مارکس** هم وجود طبیعی را نیازمند به موادی میداند که بیرون از او وجود دارند. انسان برای باقیماندن خود، موجودی نیازمند است: « هستی بی که در خارج از خود طبیعت خویش را نداشته باشد، هستی طبیعی نیست» (م: ۳: ۳۳۷). نیاز به عنوان رابطه انسان طبیعی با طبیعت عینی اش در مثالی ساده گرسنه گیسست: «گرسنه گی یک نیاز طبیعیست و به همین دلیل هم به طبیعتی خارج از خودش نیازمند است. باید ابژه بی خارج از [سوژه] باشد تا او بتواند خویشتن را ارضاً کند و سیراب شود. گرسنه گی نیاز شناخته شده بدن من برای ابژه بیست که در بیرون آن وجود دارد، ابژه بی که برای یگانه گی و بیان هستی بنیادین آن ضروریست» (م: ۳: ۳۳۷-۳۳۶). در سرمایه داری نیازهای من با میزان ثروت و با پول من تعیین میشوند (م: ۳: ۳۲۵-۳۲۴). در **سرمایه رفع نیاز امری اجتماعی دانسته شده که خود زاینده نیازهایی تازه است. تولید فقط برای نیاز ماده نمیسازد. برای ماده هم نیاز میسازد.** در **ایدیالوژی آلمانی** به نیازها چون اموری تاریخی توجه شد. **مارکس** شرایط تاریخی رفع نیازها را بررسی کرده است. ساخته شدن نیازها و پاسخ دادن به آنها نیز خود فراشدهایی تاریخی هستند (م: ۵: ۴۴-۴۲، ۶۷-۶۵، ۷۲، ۷۵). در **دست نوشتههای ۱۸۴۴** نیاز به پول یگانه نیاز واقعی بی دانسته شد که نظام اقتصاد سرمایه داری آن را آفریده است (م: ۳: ۳۰۷). در بحث از «قدرت پول در جامعه مدرن» در همان کتاب، **مارکس** نشان داد که «هرگاه برای مسافرت پول نداشته باشم، معنایش این است که نیازی هم به سفر ندارم. یعنی نیازی واقعی و

تحقق پذیر ندارم. اگر تمایل به پژوهش داشته باشم اما پولی برای انجام آن نداشته باشم یعنی تمایلی به پژوهش ندارم. تمایل مؤثر و راستین ندارم. برعکس، اگر به راستی تمایلی به پژوهش نداشته باشم اما اراده و پول انجام آن را داشته باشم دارای یک تمایل مؤثر برای انجام آن هستم.»
(م:۳۲۵).

واژه آتیه نیروی کار *Arbeitskraft*

میباشد!!!

www.ayenda.org